



ایران در آستانه
انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای اجتماعی کشور

جستارهایی در
ایران در آستانه انتخابات

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ۱۳۹۴

جستارهایی در

ایران در آستانه انتخابات

به سفارش شورای اجتماعی کشور

رصد فرهنگ و اجتماع - ۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ماه ۱۳۹۴

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات / [تهیه و گردآوری] پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات،
رصد فرهنگ و اجتماع؛ [برای] شورای اجتماعی کشور. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات،
۱۳۹۴.

۳۶۶ ص.؛ جدول، نمودار. - (رصد فرهنگ و اجتماع؛ ۳)

موضوع: ۱. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - مقاله‌ها و خطابه‌ها ۲. ایران. مجلس شورای
اسلامی - انتخابات - جنبه‌های جامعه‌شناختی ۳. انتخابات - ایران
شناسه افزوده: الف. ایران. وزارت کشور. معاونت اجتماعی. شورای اجتماعی کشور ب. فروست

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج. ۵ / الف / ۱۷۱۶ DSR

رده بندی دیویی: ۰۸۴۴/۹۵۵

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات

شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نوبت چاپ: آبان ۱۳۹۴

فهرست مطالب

مقدمه / سیدمرتضی میرباقری _____ ۷

■ ■ ■ انتخابات و ملاحظات اجتماعی فرهنگی

- ۱۱ _____ پیچیدگی جامعه و کنش جمعی مردم در ایران / محمد آقاسی
- ۲۱ _____ نگاهی به رابطه روحانیت و مجلس، از مشروطه تا امروز؛ استغنائی سازمان روحانیت از مجلس / حسن اجرایی
- ۳۳ _____ انتخابات پارلمانی، هویت جمعی و امر سیاسی / ریحانه اصلان زاده
- ۴۱ _____ سازمان‌های رفاهی، کنترل سیاسی، شهروندی / رضا امیدی
- ۴۷ _____ تأملی بر مشارکت طبقه متوسط در انتخابات پیش‌رو / یاسر باقری
- ۵۷ _____ پیامدهای نگاه اصلی به جای نگاه آلی به انتخابات در ایران / محمدرضا جوادی یگانه
- ۷۱ _____ اقوام و انتخابات / ابراهیم حاجیانی
- ۸۳ _____ بررسی هویت مورد نظر گفتمان جمهوری اسلامی ایران در قبال زنان / سید محمدمهدی خوبی
- ۹۷ _____ وندالیسم انتخاباتی؛ تخریب اموال عمومی یا تخریب افکار عمومی؟ / محمدمهدی رحمتی
- ۱۰۳ _____ اقتصاد انتخابات مجلس / علی سرزعیم
- ۱۱۱ _____ لنینی شدن فرایند / علیرضا شجاعی زند
- ۱۲۳ _____ امتناع وعده‌های انتخاباتی در سطح ملی / عباس عبدی
- ۱۳۱ _____ مجلس شورای اسلامی و سرمایه اجتماعی / غلامرضا غفاری
- ۱۴۱ _____ تحلیل پیامدهای اجتماعی و فرهنگی انتخابات؛ از منظر منازعات کلامی / محمد جواد غلامرضا کاشی
- ۱۵۱ _____ الزامات مجلس دهم برای بقا و ارتقای ایران / محمد فاضلی
- ۱۶۳ _____ گذار به مردم‌سالاری مستقیم / ناصر فکوهی
- ۱۷۱ _____ دروغ‌گویی در انتخابات؛ اشکال، سطوح، و پیامدها / حسن محدثی گیلوایی
- ۱۹۵ _____ احزاب شه‌ساخته دوره پهلوی و انتخابات / رضا مختاری اصفهانی
- ۲۰۳ _____ انتخابات فرصتی برای انشقاق یا ائتلاف / احمد میدری
- ۲۱۵ _____ ملاحظات درباره انتخابات در ایران / جواد میری
- ۲۲۳ _____ انتخابات و فرهنگ شهرت؛ مشاهیر ورزشی و هنری (سلبریتی‌ها) و انتخابات در ایران / راضیه یاسینی

■ ■ ■ انتخابات و مطالبات

- ۲۳۹ _____ انتخابات و مطالبات زنان / شیرین احمدنیا
- ۲۴۹ _____ انتخابات و مطالبات رأی اولی‌ها / سمیه توحیدلو
- ۲۶۳ _____ انتخابات، آموزش عمومی و مسئله آب / جبار رحمانی

- ۲۷۳ _____ مطالبات در حوزه گاز طبیعی و آینده ایران / مجید عباسی
- ۲۸۱ _____ انتخابات و اقلیت‌های مغفول: صدا و ژئوپلیتیک قومی-دینی / مهرداد عربستانی
- ۲۹۳ _____ رصد اقتصاد هنر ایران در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی / محمدرضا مریدی

■ ■ ■ انتخابات و رسانه‌ها

- ۳۰۱ _____ رویکرد شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به انتخابات ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۰۹ _____ استفاده از ظرفیت پیام‌رسان‌های موبایلی در انتخابات / شادی ضابط
- ۳۱۹ _____ آن‌لاین بدون ایمیل / محمد معماریان
- ۳۳۱ _____ الگوی تبلیغات رسمی انتخابات در ایران با تأکید بر صداوسیما / نوح منوری
- ۳۳۹ _____ ناآرامی در نهاد ناپایدار شبکه همراه / فرشاد مهدی‌پور
- ۳۴۷ _____ رفتار انتخاباتی با نگاهی به مصرف رسانه‌ای / عباس نعمتی
- ۳۵۷ _____ اهمیت ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در آستانه انتخابات مجلس دهم / حسین یزدان‌شناس

■ ■ ■ انتخابات پارلمانی، هویت جمعی و امر سیاسی

ریحانه اصلانزاده

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی نظری فرهنگی دانشگاه تهران

۱. مقدمه

در این نوشتار می‌کوشم نشان دهم با وضعیت ویژه انتخابات در ایران، قواعد و شرایط برگزاری انتخابات پارلمانی به طور کلی و در دقیقه خاص انتخابات دهم مجلس شورای اسلامی، چگونگی تفسیر امر سیاسی می‌تواند به ازبین‌رفتن توان بسط دموکراسی از طریق انتخابات بینجامد و سوبه خصم‌آمیز نزاع‌های سیاسی فعلی را تقویت کند و یا در مقابل، به تقویت توان انتخابات موجود در بسط وضعیت دموکراتیک یاری رساند و به امکان حیات سیاسی نیروهای رقیب یاری رساند. هنگامی که تمایز اجتماعی نمی‌تواند بیان شود، عواطف را نمی‌توان به سوی اهداف دموکراتیک بسیج کرد و تخصّصات به شکلی ظاهر می‌شوند که می‌توانند نهادهای دموکراتیک را به خطر بیندازند.

اگر بپذیریم که در سال‌های اخیر، فردگرایی نتیجه وضعیت اقتصادی و فرهنگی موجود و خودخواهی و تعقیب سود و منفعت شخصی در عرصه عمومی، امر

اجتماعی را از نفس انداخته است و در عین حال شکاف حاصل از تعارضات سیاسی چند سال گذشته و حل نشدن آنها به شکل سیاسی (در پرتو یکدستی نسبی نهاد مجلس در شرایط فعلی که بازتابنده تمایزات موجود در آراء و تفاسیر شهروندان به عنوان سوژه‌های سیاسی که این حق نمایندگی را تفویض کرده‌اند، نیست) می‌تواند این تعارضات را به تخاصم و خشونت بدل سازد و در نهایت، این شرایط همراه با فردگرایی و منفعت‌طلبی فزاینده در عرصه اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند بنیان‌های جامعه را مورد تهدید قرار دهد.

از این منظر، با توجه به آسیب‌دیدن امر سیاسی و امر اجتماعی در سال‌های اخیر، انتخابات مجلس دهم شورای اسلامی می‌تواند فرصتی برای ترمیم این هر دو باشد. در این نوشتار می‌کوشم نشان دهم که چگونه انتخابات مجلس در وضعیت کنونی می‌تواند به شرط کنارگذاشتن مجموعه‌ای از دیدگاه‌های ضد سیاسی و تقلیل‌گرا به ترمیم امر سیاسی و اجتماعی بینجامد.

۲. انتخابات، بر سازنده هویت جمعی

مردم سوژه‌های سیاست و تنها منبع و مرجع رهایی خویش‌اند. این رهایی از طریق نهاد انتخابات ممکن می‌گردد، به شرطی که به انتخاب نماینده محدود نشود یا می‌توان گفت در حد انتخاب نماینده نماند. مسئله اینجاست که «مردم» به عنوان هویت جمعی و سوژه‌های سیاست موجودیتی محقق و از پیش موجود ندارد، بلکه هم‌زمان با فرایندی که طی آن افراد متقابلاً حقوق اساسی به عنوان شهروند به یکدیگر اعطا می‌کنند، ساخته می‌شود؛ یعنی، بر اساس تفسیری خاص از شرایط فعلی و اراده و خواستی مشخص برای تغییر وضعیت موجود در انتخابات شرکت می‌کنند و هم‌زمان ذیل شرکت در انتخابات، یکدیگر را به عنوان شهروندانی که هریک حق انتخابی برابر دارند و عضوی از این جامعه محسوب می‌شوند، بازمی‌شناسند. این فرایند هرچند در آن به دقت ننگریسته باشیم، به معنی بازشناسی شهروندان توسط یکدیگر به عنوان شهروند آزاد و واجد حق انتخاب است. اگر مردم بتوانند به این شکل در انتخابات شرکت کنند، امکان گشودن عرصه عمومی به سوی جامعه دموکراتیک هم فراهم می‌شود؛ یعنی، شکل‌گیری رابطه‌ای متقابل میان خود مردم بر اساس برابری و آزادی، یعنی تعیین سرنوشت مردم به دست خود مردم. ذیل این عمل جمعی نه تنها مردم بار دیگر توسط یکدیگر بازشناخته می‌شوند، بلکه سهم واقعی نیروهای سیاسی موجود و میزان نفوذ آنها در جامعه نیز آشکار می‌شود. در

عین حال، تفاسیر معنابخش وضعیت موجود، در زمان انتخابات بار دیگر برساخته خواهد شد، مورد حمایت قرار خواهد گرفت، بر اساس آن نوع خاصی از هویت سیاسی ساخته و تقویت خواهد شد و نفوذ هریک از تفاسیر نزد شهروندان آزاد روشن خواهد شد. مالکیت بر تفسیر شرایط موجود از آن شهروندان و عامل‌رهایی آنان است. این تفاسیر برسازنده هویت سیاسی و ایجادکننده شور تغییر و اراده برای مشارکت سیاسی است. انتخابات از این وجه تاریخ‌ساز است، نه صرفاً برای آنکه ذیل آن افرادی انتخاب می‌شوند که قانون‌گذاری و نظارت طی چهار سال به عهده آنان خواهد بود و تصمیمات آنان نتایج سرنوشت‌ساز به جا خواهد گذاشت، بلکه برساختن معنای وضعیت فعلی چیزی است که در ید اختیار مردم و نتیجه انتخاب آنان خواهد بود. از این منظر، نهاد انتخابات گویای ترمیم وقار و حیثیت تک‌تک ایرانیان است.

این تفسیر بدون تفویض حق نمایندگی از آن مردم است و فهم شرایط کنونی بر اساس آن شکل می‌گیرد؛ فهمی که سوژه‌ای واحد یا مجموعه سوژه مشخصی ندارد. ناآشکاربودن نتیجه انتخابات در ایران به تعبیری همین غافلگیرکننده‌بودن تفسیر جمعی است که «مردم» در وضعیت موجود برمی‌سازند.

شور و آرمان تغییر که هر دو حاصل تکوین دوباره مردم به واسطه انتخابات‌اند، شرایطی را فراهم می‌کند که برخلاف رکود و رخوت سال‌های اخیر در عرصه سیاسی، که تنها انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین شکافی بر آن انداخت، می‌تواند نویدبخش دستاوردی مهم باشد و آن ترمیم امر اجتماعی به واسطه درک مشترک از وضعیت فعلی و خواست تغییر است. از این منظر، انتخابات پارلمانی پیش رو هم نسبت به انتخابات ریاست‌جمهوری در دو سال قبل، کمتر مصلحت‌جویانه خواهد بود و هم به نوعی توازن‌بخش و تعیین‌کننده سهم واقعی نیروهای سیاسی موجود از تأیید مردم خواهد بود، چراکه انتخابات پارلمانی به طور کلی امکان برقراری شرایطی را فراهم می‌کند که به شکل‌گیری نوعی تفسیر سیاسی خاص از وضعیت موجود، اراده خاصی برای مواجهه با وضعیت فعلی و نیز نوع خاصی از اداره جامعه می‌انجامد.

از این منظر، کنارگذاشتن یک طیف سیاسی از حضور در پارلمان مطابق سهم و نفوذ اجتماعی آن در چهار سال اخیر، ناشی از غفلت از این امر مهم بوده است که راست و چپ و حیات سیاسی پویای آنها، توان بسیج سیاسی، امید به بهبود و تغییر و ایجاد شور و شوق مشارکت در طرفدارانشان، تا چه حد وابسته به حضور یکدیگر

و تا چه میزان بازدارنده حضور نیروهای پوپولیست در عرصه سیاست خواهد بود.

۳. هویت جمعی و بنیاد امر سیاسی

چنان‌که گفته شد، حق شرکت در انتخابات و حق شهروندی حقی نیست که از سوی کسی به مردم اعطا شود، بلکه شهروندبودن به معنی بازشناسی است. از این منظر، بازشناسی به معنی پذیرش حق «دیگری» در عرصه سیاست است، به این ترتیب که طی فرایند انتخابات، سوژه‌های سیاسی که انتخاب هماهنگشان گویای بازشناختن یکدیگر به عنوان شهروندان آزاد و برابر است، به طور مسالمت‌آمیز و ذیل نزاعی مؤثر و سازنده با برگرفتن هویت سیاسی برخاسته از همدلی با تفاسیر متفاوت از وضعیت موجود و نزاع‌های نیروهای فعال فعلی در عرصه سیاست و رأی‌دادن به آنها، قدرت و نفوذ نسبی آنها را آشکار می‌کند. در متن این نزاع، که برخاسته از هستی اجتماعی تفاسیر و هویت‌های سیاسی مختلف است، تمایزات اجتماعی میان سوژه‌های سیاسی برجسته شده و در کانالی دموکراتیک (به نام انتخابات) مجال بروز پیدا می‌کند و به این ترتیب، این مقابله وجه خصمانه نمی‌یابد و در نهایت قدرت و نفوذ نسبی تفاسیر موجود آشکار شده و یک نوع اراده سیاسی برتری یافته و کرسی بیشتری در مجلس کسب می‌کند.

پذیرش تقابل من و دیگری و تقابل پروژه‌های هژمونیک منبعت از آن، تضمین‌کننده خردنشدن هویت سیاسی که دست بالا را در عرصه تقابل نمی‌یابد است. این حفظ رویکرد مقابل، در عین تلاش برای پیروزی بر آن، جوهره حیات سیاسی دموکراتیک، در عین حال انتقادی و زنده است. حفظ دیگری، به معنی حفظ تفسیر دیگر، حفظ امکان متفاوت و نیز حفظ نیرویی است که امکان ساختن هویت سیاسی را به من می‌دهد (اگر بپذیریم که «من» همواره به میانجی «دیگری» و به شیوه‌ای سلبی در برابر آن بر ساخته می‌شود) در نبود چیزی به نام امکانی دیگر، با قطعیت و بداهتی بی‌معنا روبه‌رو خواهیم بود که شور و میلی بر نمی‌سازد، امری جمعی به وجود نمی‌آورد، معنایی به وضعیت موجود نمی‌دهد و در نهایت اصلاً امکان چیزی به نام امر سیاسی را نابود می‌کند.

۴. رویکردهای تهدیدکننده انتخابات دموکراتیک در وضعیت فعلی ایران

بر اساس پذیرش بنیاد امر سیاسی به عنوان رابطه متقابل و غیرخصمانه «ما» و «آنها» و حضور متقابل و متمایز چپ و راست به عنوان تقابلی سیاسی، می‌کوشم موانعی را برشمارم که به صورت رویکردهای فعال در عرصه سیاسی در شرایط فعلی

در کار تخریب امر سیاسی‌اند. تلاش می‌کنم این موانع را برشمارم:

تفسیرهایی که نزاع سیاسی را به نوعی نزاع اخلاقی تقلیل می‌دهند. در واقع، می‌کوشند به جای توضیح رابطه من و دیگری بر پایه مقولات سیاسی، آن را بر اساس مقولات اخلاقی و خیر و شر تعریف کنند. رویکردی که طرفداران خود را به حضور دیگری در عرصه سیاسی انذار و هشیارباش می‌دهد، به نوعی تخریبگر امر سیاسی است، چراکه نه تنها از توضیح تقابل و تخصم بر پایه تفسیر سیاسی سر باز می‌زند، بلکه دیگری را شری تعریف می‌کند که حتی حضورش نیز مایه اضطراب و تشویش است. این رویکرد تقابل را پس نمی‌زند، رویارویی را حفظ می‌کند و آن را تا حد دشمنی ارتقا می‌دهد. هویت‌یابی ذات‌گرایانه و بر اساس ارزش‌های اخلاقی غیر قابل مذاکره: این رویکرد اساس موجودیت دیگری را در عرصه سیاسی، شوروانه و غیراخلاقی می‌داند و در پی حذف دیگری است.

تفسیرهایی که رویگردان از امر سیاسی به نوعی خواستار گذشتن از طیف‌های سیاسی موجود و برقراری نوعی تعادل و میانداری میان آنهاست. این رویکردها نه تنها از تخصم‌گریزان‌اند، بلکه هرگونه مخالفت و تقابلی را غیرضروری می‌شمارند و مسئله واقعی کشور را در شرایط فعلی ناکارآمدی مدیریتی و اداری می‌دانند. گذشتن از نزاع موجود و شکاف اجتماعی پیش‌آمده در چند سال اخیر، حتی فرصت طرح تقابل و تمایز و هدایت آن به سوی منازعه پارلمانی را (که از اساس زداینده عنصر تخصم است) نمی‌دهد. از این منظر، مشکلات حاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی موجود ناشی از ناکارآمدی دولتمردان است. این رویکرد به کلی نسبت به تحلیل مناسبات سیاسی و اقتصادی برساننده معضلات موجود که نه تنها نهادهای اجرایی و نظارتی محلی و ملی را ناتوان و ناکارآمد ساخته است، بلکه در موردی مانند زمین‌خواری در گردنه حیران (که یکی از زیباترین منابع زیست‌محیطی و جاذبه گردشگری را به مجموعه‌ای از سازه‌های ویلایی کج‌سلیقه، انحصاری و مخرب برای حیات بومی، کشاورزی و جنگلی بدل کرده است)، خود، آنها را به بخشی از این مناسبات ناسالمی بدل کرده است که پایی در سیاست پایی در اقتصاد دارد. مورد جاده اسالم به خلخال نشان می‌دهد که مسئله اصلی شتاب‌زدگی در اجرا، نابلدی و ناپختگی مدیریتی، ناهماهنگی میان دستگاه‌ها و عدم نگرش عقلانی و مدبرانه در مدیریت زیست‌محیطی نیست، بلکه هژمونیک‌شدن پروژه‌ای سیاسی و اقتصادی است که منابع طبیعی را نیز به کالا تبدیل می‌کند و کلیه نهادهای حفاظت

از محیط زیست و نهادهای نظارتی را نیز به طرز «کارآمد»، عقلانی و مدبرانه‌ای در جهت این خواست بسیج می‌کند تا طبیعت به «منبع»ی پولساز در دست نهادهای ملی و محلی فروکاسته شود. به این سبب، در شرایط فعلی، لزوم نقد سیاسی و توجه به ریشه‌های اقتصادی این منازعه اقتصادی به جای ریشه‌یابی اخلاقی آن، در انتخابات پارلمانی پیش رو ضروری می‌نماید. انتخابات پارلمانی به خاطر برگزاری انتخابات به صورت محلی و بر اساس حوزه‌های انتخابیه و مسائل هرروزه آنها (مثل اختصاص منابع آب جاده اسالم از زمین‌های کشاورزی به ویلاها!!)، امکان تقلیل اخلاقی مسائل سیاسی را دشوارتر سازد.

در نهایت، رویکردهایی که مواجهه با امر سیاسی را از بُعدی فردگرایانه و ابزاری قابل تحلیل می‌دانند. از این منظر، انتخابات برساننده هیچ «ما»ی جمعی و برساننده هیچ تفسیر جمعی نیست؛ هیچ شور جمعی برخاسته از این یکی شدن نمی‌شناسد و این دو را موقوف به یکدیگر نمی‌داند. از این منظر، علل انتخاب و شرکت در انتخابات، محاسبات فردی و نفع‌گرایانه است که البته مبتنی بر اولویت‌بخشی‌ها و دوره‌های عینی است که خارج از نزاع سیاسی موجود، پیش چشم شهروندان ترسیم شده است. آنچه این رویکرد را غیرانتقادی و غافل از امر سیاسی و اجتماعی می‌سازد، بی‌توجهی آن به شکل برقراری این وضعیت تفسیری نزد کنشگران محاسبه‌گر است. این رویکرد از کنش قدرت و توانایی مثبت آن در ساختن عینیت اجتماعی غافل است. از نظر او، تفسیر سیاسی چنان برخاسته از عینیت طبیعی، بی‌خدشه و غیرتفسیری است و در عین حال شرایط اجتماعی و سیاسی چنان پرداخته از کرد و کار قدرت‌اند که بر اساس آن می‌توان نوعی برداشت واقعی (به معنای صلب کلمه)، بی‌خدشه و برکنار از هرگونه مایه سیاسی و مبتنی بر کرد و کار قدرت ساخت و بر اساس آن عمل کرد. در عین حال، از منظر این رویکرد، این نحوه عمل به صورت فردی و در یک تصمیم‌گیری شخصی و بر اساس محاسبه‌ای عقلانی صورت می‌گیرد که بدهتش بر اذهان آشکار و ناپوشیده است و در نتیجه آسان است که بگوییم این رویکرد به نوعی ضد سیاست است، چراکه آنچه کرد و کار قدرت است (برساختن تفسیری از وضعیت موجود و معنابخشیدن به شرایط فعلی) را به بدهتی مشاهده‌پذیر برای هر کنشگر فرومی‌کاهد و کار سیاست را که همین منازعه بر سر معنابخشی به وضعیت موجود و امکان‌های پیش رو برای عمل بر اساس این تفسیر است، به حوزه‌ای خارج از منازعه نیروها در عرصه سیاست نسبت می‌دهد. در

واقع، تصمیم‌گیری و عمل در حوزه سیاسی را به شیوه‌ای غیرسیاسی و غیراجتماعی (بر اساس محاسبه‌ای فردی و بدون ارتباط با هویت و شور جمعی) تعریف می‌کند. چنین رویکردهایی در هر انتخابات، در زمان هر عمل جمعی در عرصه سیاسی فعال می‌شوند و فارغ از شرایط موجود، انتخاب سیاسی را بر پایه مصلحت‌اندیشی فردی و بی‌توجه به عینیت اجتماعی و بر ساخت سیاسی آن، به اضطراری ناشی از بحران و بی‌ثباتی موقعیت ایران و نظام در وضعیت خاص ژئوپلیتیک خاورمیانه نسبت داده و به جای تفسیر سیاسی خود این تفسیر و جایگاه آن در مناسبات قدرت «داخلی» ایران، به نوعی خلاف حیثیت ملی و مدعای اخلاقی مورد ادعا، موجودیت ملی ایران را در معرض خطری دایمی تلقی کرده و مدام برای کلیت نظام رأی اعتماد می‌خواهد.

۵. نتیجه‌گیری

به طور کلی، راه موجود برای جامعه ایران، بریدن از منازعات نیست؛ در مقابل، پافشاری بر انتخابات پارلمانی به عنوان راه حل دموکراتیک برای طرح منازعات، حضور هویت‌های سیاسی مختلف، که بر سازنده هریک از طیف‌های موجود در عرصه حیات سیاسی نیز است و از سوی دیگر تحمیل تفسیر جمعی از آنچه طی سال‌های اخیر رفته است، هم برای حفظ امر اجتماعی و هم سلامت امر سیاسی ضروری است. انتخابات پارلمانی در وضعیت فعلی این تفسیر را در هریک از حوزه‌های محلی زنده نگه می‌دارد، مرکزنگر نیست و ایجادکننده شور لازم برای شکل‌گیری امیدی است که در شرایط فعلی بر آن تأکید می‌شود. امید زاینده شکل‌گیری هویت جمعی و شکل‌گیری شور برخاسته از رؤیایی جمعی است که خواست غلبه دارد، سیاست‌های فردگرایانه از این امر جمعی، غافل‌اند. پافشاری بر انتخابات، پافشاری بر همین «ما» جمعی، تفسیر آن از شرایط موجود و میل ویژه آن است. ظهور آن در عرصه سیاسی، مساوی وجود آن به عنوان امر سیاسی رهایی‌بخش است.